

## پیام به مردم آزادیخواه کردستان!

حل مشکلات شما با این سرما و برف بر دوش دولت است

بارش برف سنگین اگرچه در ابتدا باعث شادی و پایکوبی مردم در شهرها و روستاهای مختلف در کردستان شد اما به دلیل مسدود شدن راهها، سرمای شدید و یخبندان و از کار افتادن ناوای ها و نبود امکانات و ملزومات زندگی، این شادیها دارد به کابوس تبدیل می شود. تلاشهای مردم برای باز کردن راهها و جاده های مسدود شده تا به حال به جایی نرسیده است. قطعی برق به دلیل رابطه مستقیمش با گاز و سیستمهای دیگر، به معنی از کار افتادن سیستم گرمایشی و پخت نان و ... می تواند باشد. این پدیده در بیشتر شهرها و روستاها متأسفانه اتفاق افتاده است. مسئولین در فرمانداریها و شهرداریها تا به حال و این بار هم عاجز از تامین مطالبات مردم بوده اند و عملاً اوضاع به شدت بحرانی جاده ها و وضعیت مردم را به حال خود رها کرده اند. تلاش ها و ابتکارات مردم برای لایروبی برف و بازکردن جاده ها و راهها قابل تحسین اما محدود بوده است. در مریوان در پی اعتراض مردم زحمتکش شهرداری مجبور شده به دارندگان ماشین آلات راهسازی فراخوان بدهد و هزینه های آنها برای لایروبی برف پرداخت نماید. در سنندج هم امروز صبح شماری از شهروندان با تجمع در برابر شهرداری مرکزی شهر خواستار رسیدگی مقامات به اوضاعی شدند که برف و یخبندان به دنبال داشته است. عدم رسیدگی به این اوضاع مرگ و میر و تصادف و... به دنبال داشته است.

### مردم آزادیخواه!

دولت و هیچ مقام دولتی بر شما پوشیده نیست که حاکمیت و مقامات محلی آنها از شهردار تا استاندار و شورای شهر و... حاضر به تامین نیازمندی های شما مردم آزادیخواه نیستند. این حقیقت در این فصل سرما و برف و بارندگی شدید معضلات جدی ای به مردم تحمیل کرده است. راه ما مردم آزادیخواه برای حل این معضلات در مقابل حکومتی نامسئول و مقاماتی فاسد، چیزی جز اتکا به نیروی خود، تجمع وسیع و بزرگ و اعمال فشار بر آنها نیست. بر شما پوشیده نیست که اینها از جیب ما کارگران و مردم محروم و از همه امکانات جامعه میخورند و سرمایه تلنبار میکنند و برای رفع ابتدایی ترین مشکلات همین مردم شانه بالا می اندازند. باید آنها را سر جای خود نشانند! ما میتوانیم با اتکا به نیروی

## انسانیت هنوز زنده است!

محمد راستی

بارش برف سنگین ظهور مصیبتهای جدیدی را با خود به همراه داشت. اما همزمان چهره ای دیگر از انسان دوستی، صمیمیت، صداقت و درعین حال همدلی و همبستگی را به نمایش گذاشت.

صفحه ۲



## اعتراضات معلمان در کردستان دریچه ای به سوی همبستگی سراسری

آسو سهامی

روز پنجشنبه ۲۳ دیماه ۱۴۰۰، معلمان در کردستان (شاغل و بازنشسته) همراه و همگام با دیگر معلمان در سراسر کشور دست به اجتماع زدند. تجمع اخیر چهارمین تجمع فرهنگیان کشور بود که با فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" برگزار گردید. علارغم فضای امنیتی شدید و احضار نماینده گان معلمان و همچنین ضرب و شتم و بی حرمتی به معلمان در برخی نقاط تلاش رژیم مبنی بر ایجاد فضای رعب و وحشت، معلمان اجتماع و اعتراض خود را بر پا داشتند.

صفحه ۳



## توجیه یک افتضاح سیاسی با تعرض به کمونیسم

(جوابی به اتهامات و توجیهات معاون ابراهیم علیزاده) مصاحبه رادیو نینا با خالد حاج محمدی

مقدمه: این مصاحبه در ۱۴ ژانویه انجام شده است. اصل مصاحبه به زبان کردی است و رفیق احمد بهزاد مطلق آن را به شکل گفتاری و به زبان فارسی ترجمه کرده است. اصل مصاحبه را میتوانید در لینک همراه <https://radioneena.com/itw/220113kh> هم گوش کنید.

صفحه ۴



## آخر باند مهدی و دستپاچگی این جریان

مصاحبه رادیو نینا با سهند حسینی

نوشته زیر متن ادیت شده مصاحبه رادیو نینا، احتمالاً به هنگام پیاده کردن این مصاحبه تصویری به متن نوشتاری، تغییراتی در جمله بندی های آن صورت گرفته باشد اما تلاش شده است که اصلی ترین و مهمترین نکات و خطوط سخنان رفیق سهند حسینی در متن حفظ شود. مقدمه این نوشته و سوالات مطرح شده همگی از طرف رفیق "آسو سهامی" ترتیب داده شده است.

صفحه ۷



### مطالب دیگر ...

- نامه سرگشاده به ابراهیم علیزاده، رهبری کومله! ص (۹)
- باند تبهکار مهدی، باید طرد و منزوی شود! ص (۱۰)
- درب قتلگاه باند زحمتکشان را باید گل گرفت! ص (۹)
- در مورد یک اتفاق نگران کننده در مریوان! ص (۱۰)
- آخر خط باند مهدی. ص (۱۱)

آزادی، برابری، حکومت کارگری

متحد خود نه تنها مشکلات برف و بارندگی را رفع کنیم که بسیاری از مطالبات خود از تامین سوخت و گرما تا آب، برق، درمان و امکانات رفاهی را تحمیل کنیم.

### مردم شهر و روستاهای کردستان!

**نباید و شایسته نیست در مقابل مشتکی حکومتگر نامسنول، دست روی دست گذاشت و زندگی اجتماعی را به حال خود واگذار کرد. متحد شوید و به قدرت دهها و صدها هزار نفره خود به میدان بیایید و مقامات را تا زمانی که سر کارند، برای تامین نیازهای زندگی باید پاسخگو باشند.**

**زنده باد قدرت سازمان یافته شما برای رسیدن به تمام خواسته های تان!**

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خطر رسمی)**

۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

### دیگر بس است!

**برای گرفتن حقوق انسانی،  
تان سفره و سلامت و امنیت  
مان متمد شویم**

**فقر بس است، فرودستی و  
مسرت دیگر بس است.**

**هر چه بیشتر کار میکنیم**

**بیشتر استئمارمان میکنند ...**

**هر چه دندان روی جگر**

**میگذاریم، طناب تازه تری دور**

**گردنمان می اندازند...**

**از جان ما چه میخواهند؟**

**آسایش را از تن ما، شادی را**

**از لبهای ما، عشق را از قلب**

**های ما و کودکانمان را از**

**آغوش ما ربوده اند.**

**دیگر بس است، صبر و باور**

**بیهوده دیگر بس است.**

**جمع شویم و عهد ببندیم که**

**از خود، خانواده خود و از**

**کرامت طبقاتی مان دفاع**

**کنیم.**

### انسانیت هنوز زنده است!

محمد راستی

وضوح دید.

منهم از اینجا فریاد بر می آورم و می گویم زنده باشید عزیزان! درود بر شما و اقدام انساندوستانه تان! دستان متحدکننده تان را به گرمی می فشارم! شما بار دیگر برگه زرینی را به تاریخ بشریت متمدن افزودید.

نه کولاک و راهبندان و نه حتی برف سنگین و سرمای بسیار شدید زیر صفر مانع از حس و اقدام انسانیتان در کمک به هموعان تان که اسیر برف سنگین و سرمای شدید بودند، نشد و با دست در دست هم گذاشتن و متحدانه چهره واقعبتان که همان همدلی و همبستگی است را به نمایش گذاشتید و نشان دادید با اتحاد و همبستگی خیلی کارهای نشدنی را میتوان شدنی و ممکن کرد. نشان دادید با وجود این رژیم فاسد و ناکارآمد نمی شود انسانهای دریند و اسیر کولاک و برف را به حال خود رها کرد. نشان دادید که اگر این مملکت و امکانات در دست مردم باشد نیبائی پر از نعمت، شادی، رفاه امنیت و احترام برای همه مردم جامعه به ارمغان آورده می شود. زنده و شاد باشید! دستان را به گرمی می فشارم.

مردم مریوان با گوشت و پوست و استخوان لمس کرده اند با اینکه این تریلرهای باربر چه پولهای هنگفتی را به خزانه دولت سرازیر می کنند، چه بسیار عزیزیانی توسط این اربابهای مرگ را در این مسیر از شان گرفته اند، اما خوب هم میدانند که راننده و کمک رانندگان کارگرانی بیش نیستند.

۲۴ ژانویه ۲۰۲۲

### دنیا بدون فراخوان

### سوسیالیسم

### بدون امید سوسیالیسم

### بدون «خطر» سوسیالیسم،

### به چه متجلائی تبدیل

### خواهد شد.

### منصور حکمت

بارش برف سنگین به ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر در هفته ای که گذشت و شدت سرمای تا منهای ۲۵ درجه (رانندگان ۱۵۰ تریلی از شهرهای سیرجان، یزد و اردکان و...) از راننده ها که با ماشینهای سنگین در مسیر جاده مریوان بسوی مرز باشماق در محاصره کامل قرار گرفته و امکان هیچگونه دسترسی به خان، آب و سوخت، وسیله گرم کننده ای ... نداشتند.

تعداد زیادی از جوانان و مردم دلسوز همراه سندیکا و شرکتیهای شخصی مربوطه وقتی از طریق کانالهای تلگرامی از موضوع باخبر میشوند و با توجه به تجارب گذشته که مردم مریوان در این کارها (امداد و کمک رسانی) داشته اند، بلافاصله جمع بیشتری را در جریان گذاشته و بعد از صحبتیهای کوتاهی تقسیم کار می کنند. جمعی دنبال نان و جمعی دنبال آب و جمعی هم آماده کردن غذا و عده ای هم تهیه سوخت را بر عهده می گیرند. غذاها را در ظرفهای یکبار مصرف بسته بندی کرده و همراه دیگر مایحتاج جمع آوری کرده و در مدت کوتاهی با چند دستگاه ماشین قدرتمند و مجهز به سوی مرز حرکت می کنند. تا آنجا که ماشینها توانایی حرکت دارند به پیش می روند و بقیه راه را گروه انساندوست و با تجربه در میان برف سنگین و سرمای شدید با پیاده ادامه می دهند. سرانجام با خستگی فراوان و تحمل بار سنگین و سرما محموله های غذایی را در میان صف طولانی تریلرها بین عزیزان محاصره شده، پخش کرده و با آنها ابراز همدردی میکنند. بعلمت ادامه بارش برف و راهبندان مردم انساندوست راننده ها را با خود به شهر برده و تعداد زیادی از آنها را در منازل اهالی شهر اسکان داده و تعدادی هم به هتل رفته اند.

بعد از سه روز که جاده ها باز و تردد جاده ایی ممکن می شود هر کدام از راننده ها نزد ماشینهای خود می روند. دست آخر مهمانان در قبال این همه محبت و انساندوستی نمی دانستند با چه زبانی و با چه کلماتی که شایان این همه محبت باشد، تشکر کنند. در چهره تک تک این عزیزان راننده احساسی شعف انگیز و شادی را از انسان دوستی مردم مریوان را میشد دید و جبران اینهمه فداکاری و از خودگذشتگی را میشد از ذهن و حرکاتشان خواند.

این خبر در شهرهای مختلف از جمله سه شهرستان مذکور (سیرجان، یزد و اردکان) پخش شده و سپاسنامه ای از طرف مردم این شهرها بابت آنهمه مهربانی و همبستگی و از خودگذشتگی مردم شهر مریوان قدردانی کرده و این سپاسگزاری ها را از کانالهای اینستاگرامی منعکس کرده و ارسال نموده اند.

انسانیت زنده است و هیچ مرزی را به رسمیت نمیشناسد، نه مذهب، نه زبان، نه ملیت، نه جنسیت، نه نژاد، همه این دیوارهای دروغین و تفرقه افکنانه را ویران میکند و فریاد بر می آورد: "زنده باد انسانیت". این را در همین اقدام انسانی مردم مریوان می توان با

## اعتراضات معلمان در کردستان ...

### آسو سهامی

معلمان و بازنشستگان در این تجمعات خواستار افزایش حقوق و مستمری‌ها و اجرای کامل همسان‌سازی، تحصیل رایگان، آزادی معلمان و زندانیان سیاسی در بند و رفع تبعیض، شدند.

امروزه بر کسی پنهان نیست که دامنه اعتراضات کارگری، دامنه اعتراضات معلمان و پرستاران و ... و در یک کلام صدای اعتراض طبقه زحمتکش جامعه زمین را زیر پای حاکمان و حامیان سرمایه داغ کرده و نوید زلزله ای با پرچم آزادی و برابری را می دهد.

به دنبال اعتراضات دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و پس از آن اعتراضات روزانه کارگران و خصوصاً اعتراضات کارگران هفت تپه، فولاد و کارگران پیمانی شرکت نفت و پتروشیمی ها، اعتصابات معادن و ... جامعه ایران حول مسئله "معیشت و رفاه" قطبی شده و سمپاتی جامعه را به سوی این طبقه و خواست و مطالباتشان جلب کرده است.

آنچه که مهم است و بر کسی پوشیده نیست اعتراضات طبقه کارگر و بخش محروم جامعه هر بار به شکلی وسیع تر، سازمان یافته تر و توده ای تر به جلو آمده است و خبر از یک تلاش هوشیارانه برای تامین یک رهبری منسجم و یک هماهنگی کامل را در بعد سراسری می دهد و به معنی دیگر جمله "چاره رنجبران در وحدت و تشکیلات است" را به شکل ملموسی و در دل یک مبارزه روزمره عینیت پیدا میکند.

اجتماعات و تحرک سراسری معلمان به شیوه ای سازمان یافته و تحت یک رهبری واحد طی ماه های اخیر و به دنبال آن اعتراضات منسجم و سراسری بازنشستگان در سراسر ایران طی همین مدت این واقعیت را نشان داد که طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان، زنان و دیگر اقشار محروم جامعه راه خود را باز یافته است و تشکل، انسجام، سازماندهی، اتحاد و رهبری کارآمد و بعلاوه اصلی ترین مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه را به عنوان تنها پرچم و ابزار و سلاح دست خود به درستی در دست گرفته است.

اما آنچه که اینجا حائز اهمیت است و قابل تاکید، حضور معلمان کردستان همگام با دیگر معلمان در سراسر کشور است که حاوی پیام مهم و بزرگی به مردم کردستان است و آن اینکه تنها با اتکا به هم طبقه ای هایمان و در اتحاد و یکپارچگی در بعد سراسری است که می توان به خواست و مطالبات خود رسید.

فارغ از هیاهوی گرایشات مختلف قومی مذهبی برای اینکه به این حرکت بخش محروم جامعه برای رفاه و آزادی رنگ قومی بزنند و آنرا شقه شقه کنند، فارغ از اینکه معلمان در کردستان به چه زبانی سخنرانی کردند و فارغ از ارزیابی چپ و راست جامعه از این

دخالتهنگری در آن روی میز کار هر فعال کارگری، هر فعال سیاسی، هر فعال جنبش زنان، جنبش دانشجویی، پرستاران، بازنشستگان قرار دارد و باید آستین ها را بالا زد و این سنگر را فتح کرد و به پیروزی رساند.

معلمان در کردستان راه خود را یافته و راه نشان می دهند و اتحاد و همبستگی با دیگر معلمان در بعد سراسری را مشعل راه خود کرده است و بی شک این سرآغازی خواهد بود برای شکل دادن به اتحاد صفوف دیگر اقشار زحمتکش. معلمان راه نشان میدهند و اهمیت اتحاد مردم زحمتکش، از محصل تا همه اقشار را بانگ میزنند. اکنون جا دارد در همه شهرها و مدارس در صف معلم و دانش آموز و دانشجوی نیروی خود را سازمان داد، توده معلم و دانش آموزان و ... را دور هم جمع کرد، مجامع عمومی خود را به عنوان ظرف اتحاد خود شکل داد و به شیوه جمعی بر سر مسائل خواست و مطالبه خود بحث کرد و مشترکاً تصمیم گرفت و کل نیروی خود را برای تامین آن متحد کرد.

ما باید و نیاز داریم که در همه جا برای ایجاد شوراهای کارگری، شوراهای مردمی، شوراهای معلمان، شوراهای دانش آموزان و ... تلاش کنیم. آینده بهتر و تامین یک زندگی انسانی تنها و تنها با نیروی متحد ما و با کنار گذاشتن حاکمیت اقلیتی سرمایه دار و حکومتش ممکن است. اتحاد امروز صف ما، در شوراهای تشکلهای خود در کنار صف متحد طبقه کارگر نوید دنیایی برابری و عاری از ستم را میدهد. پرچم چنین تحولی انسانی همه جا در صفوف طبقه ما در صف زن و معلم و بازنشسته در کنار و همراه با طبقه کارگر به اهتزاز در آمده است. این جنبش باید به افق رهایی بخش سوسیالیستی به افق دنیای برابر و عدالتخواهانه مسلح شود و این مهم کار کمونیستی طبقه کارگر و کار جنبش ما است.

اعتراضات معلمان در کردستان دریچه ای به سوی همبستگی سراسریست و باید آنرا تقویت و بسط داد.

دی ماه ۱۴۰۰

**طبقه کارگر، بر خلاف کلیه**

**طبقات فرودست در تاریخ**

**پیشین جامعه بشری،**

**نمیتواند آزاد شود بی آنکه**

**کل بشریت را آزاد کند.**

از: یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست

تجمعات، آنچه که مسلم و قابل ستایش است سخنرانی های پر شور معلمان و خصوصاً معلمان زن و همچنین حضور گرم دانش آموزان و خانواده هایشان در صفوف این اعتراضات و بعضاً سخنرانی های پرشور آنها در این تجمعات است. آنچه قابل تقدیر بود که معلمان در شهرهای مختلف کردستان به عنوان بخشی جدا ناپذیر از مردم محروم جامعه ایران با خواست مشترک و سراسری به میدان آمدند و پرچم عدالتخواهی را به اهتزاز درآوردند. تمامی این فاکت ها این حقیقت انکار ناپذیر را نشان می دهد که معلمان و فرهنگیان در کردستان به ما راه نشان می دهند که تنها با پیوند مبارزات خود، مبارزات طبقه کارگر و طبقه زحمتکش جامعه در کردستان، مبارزات زنان در کردستان با اعتراضات سراسری و ایجاد پل ارتباطی می تواند خواست و مطالبات خود را پیگیری و به نتیجه رساند.

طبقه کارگر در کردستان درس دیگری از معلمان آموخت، درسی که نه در کلاسهای درس، بلکه در میدان مبارزه آنرا آموخت که اینکه برای احقاق حقوق خود باید این پیوند سراسری را ایجاد کرد، باید متشکل شد، باید سازمان یافت و رهبری کرد تا حق اعتراض، حق اعتصاب، حق تشکل و حق زندگی ای انسانی و مرفه را به حاکمان تحمیل کرد.

حضور دانش آموزان به همراه خانواده هایشان این درس را به ما آموخت که فارغ از اینکه کجا ایستاده ایم، خواست همه ما، آزادی، رفاه، امنیت جانی و شغلی و دیگر خواسته های انسانی مشترک است و یک دشمن مشترک داریم، بنابراین ما در کنار هم خواهیم ماند و تا به زیر کشیدن تمامی قوانین ضد انسانی، به زیر کشیدن مناسبات تولیدی و استثمار گرانه و به زیر کشیدن نظم موجود، مبارزه خواهیم کرد.

پیوند سراسری مبارزات معلمان و دیگر توده های زحمتکش در کردستان توانسته و می تواند توازن قوا را به نفع مردم، تغییر دهد و صفوف مبارزاتی جنبشهای اجتماعی موجود را مستحکم تر و به مثابه یک کاتالیزور و آدار به پیشروی کند. بی شک این مهم به دست نخواهد آمد مگر فتح یک به یک سنگرها، از آزادی معلمان در بند و زندانیان سیاسی گرفته تا اجرای کامل همسان سازی و دیگر مطالبات انسانی خود. بدون تردید مبارزات ما با تحمیل هر خواست و مطالبه ای از تحصیل رایگان تا افزایش دستمزد و آزادی معلمان در بند و ...، صف ما اعتماد بنفس بیشتری پیدا میکند و صفوف ما متحدتر و قوی تر خواهد شد.

اکنون که بحران سرتاپای رژیم جمهوری اسلامی را فراگرفته، اکنون که این رژیم مشروعیت خود را در جامعه از دست داده، اکنون که دوران حاکمیت جمهوری اسلامی به انتهای خود نزدیک شده و در سراسری سقوط قرار دارد و دوران اعتصابات و اعتراضات بزرگ و سراسری شروع گشته است.

امروز این جنبش معلمان است که در میدان حضور دارد و حمایت از آن، شرکت در آن و

## توجیه یک افتضاح سیاسی ...

مصاحبه رادیو نیئا با خالد حاج محمدی

آسو سهامی: پس از انتشار علنی نامه تهدید آمیز دبیرخانه کومله علیه حضور هیئتی از حزب کمونیست ایران در اردوگاه نظامی این سازمان و هشدار احزاب و سازمانهای سیاسی و فعالین سیاسی بویژه در کردستان، برنامه هایی در رابطه با کنگره کومله از تلویزیون این سازمان پخش شده است. در دو برنامه ای که تا بحال پخش شده اند، بخشا به ضرورت برگزاری کنگره و اساسا در جواب به هشدارها و اظهار نگرانی ها به نامه تحریک آمیز دبیرخانه کومله و حمله به کمونیسم کارگری است. در این رابطه گفتگویی داریم با خالد حاج محمدی از رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)

خالد حاج محمدی قبل از اینکه به دو برنامه پخش شده از تلویزیون کومله بپردازم، در مورد نامه دبیرخانه کومله سوال داشتم. شما به عنوان حزب حکمتیست (خط رسمی) یک نامه ای سرگشاده برای دبیر اول کومله نوشته اید. دوست دارم بدانم ضرورت نوشتن آن نامه چه چیزی بود و چرا حزب حکمتیست (خط رسمی) در این مورد لازم دانست موضع گیری بکند؟

خالد حاج محمدی: حزب ما نه تنها در حال حاضر، بلکه در گذشته هم، مخصوصا در زمان بروز اختلافات، جدالها و دودستگیها، همیشه برای ما اهمیت داشته فضای اپوزیسیون سیاسی نگهداشته شود. در اختلافات سیاسی، تهدید نظامی و دست به اسلحه بردن، تهدید و ارعاب جایی نداشته باشد. وقتی نامه مسئول دبیرخانه کومله، که در ظاهر برای اعضای خودشان و درونی نوشته شده بود، پخش شد و نامه را دیدیم احساس کردیم این نامه پر است از تهدید. نامه به روشنی از این میگوید که فضای اردوگاه متنسج است، پیشمرگان مستقر در اردوگاه به شکل "خود جوش" مشغول تهیه طوماری علیه حضور هفت نفر از رهبری حزب خودشان در اردوگاه هستند و خواهان این هستند این افراد اردوگاه را ترک کنند. نامه دبیر خانه در عین حال تاکید می کند و تهدید می کند که: اگر شما اردوگاه را ترک نکنید مسئولیت هر اتفاقی در این محل به عهده شماست. نامه دبیرخانه نه تنها تهدید آمیز بعلاوه بوی خون میداد. مسئول دبیرخانه کومله در مقام و موقعیتی است که هر انسان سیاسی ای تصور می کند و انتظار دارد که در فضایی این چنینی، که اختلافات سیاسی وجود دارد سعی کند فضا را آرام کند و سعی کند اخطار بدهد و اعلام کند که "اردوگاه کومله متعلق به هیچ کس نیست، هیچ کس حق تهدید دیگری را ندارد و ما در مقابل این موقعیت مسئول هستیم." اما می بینیم خود مسئول دبیرخانه پرچمدار ایجاد تشنج و تحریک شد و باعث برافروختن احساسات عقبمانده به بهانه اینکه هیئتی از رهبری حزب به اردوگاه آمده و اختلاف دارند، شد.

اختلافات اینها جدید نیست و ما هم در جریان هستیم. و هر وقت لازم دانسته ایم در مورد این یا آن جناح اظهار نظر کرده ایم. اما این نامه

خارج از چارچوب اختلاف سیاسی بود و مضمون آن به هر انسان بی طرفی میگفت خود نامه برای تحریک، تهدید و ارعاب است. نامه برای ساکت کردن مخالفین سیاسی است و به بهانه فضای اردوگاه، پیشمرگ، طومار و "حرکت خودش"، داشت علیه هفت نفر از رهبری حزب خودشان تحریک و بر احساسات عقب مانده سرمایه گذاری میکرد. ما نگران شدیم که همانند دوران پس از جدایی ما و کمونیسم کارگری از این حزب و سپردن حزب به اینها، سنتهایی مانند سنت جریان عبدالله مهدی و باند زحمتکشان، که در این جریان سنت و اثر خودش را به جا گذاشته تکرار شود. نگران شدیم تهدیداتی که برای کومله در جریان جدایی عبدالله مهدی و عمر ایلخانی زاده پیش آمد، در درون اینها و توسط آن کسانی که صاحب این سنت هستند تکرار شود. بنابراین وظیفه خودمان دانستیم تلاش کنیم و به رهبری کومله فشار بیاوریم که در مورد اوضاع درون اردوگاه و از جمله سرنوشت این هفت نفر هم که به اردوگاه رفته اند خودشان را مسئول بدانند. فکر می کردیم این به فضای اپوزیسیون لطمه می زند و وظیفه ما است که علنی علیه آن اعتراض کنیم. به این خاطر نامه ای سرگشاده نوشتیم و رسما انتشار علنی دادیم.

بعلاوه در عراق و کردستان عراق هم که این فضا در آن به وجود آمده بود (فضا و وضعیتی که دبیرخانه کومله اعلام کرده بود)، نگران بودیم این وضعیت فرصتی باشد برای جمهوری اسلامی که در آن جامعه و همه جا در کردستان عراق حضور دارد، محفل و مقر و جاسوس و تروریست دارد و کارهای تروریستی زیادی انجام داده. فکر می کردیم نامه دبیرخانه برای جمهوری اسلامی فرصتی به وجود آورده که اقدامی انجام دهد. مثلا با انداختن نارنجکی به یکی از مقرها یا اردوگاه، یا کسی را ترور کند. فکر کردیم اگر چنین اقدامی انجام دهد، در این فضای متنسج معلوم نبود چه اتفاقی می توانست رخ دهد. به همین دلیل اخطار دادیم، هشدار دادیم و به این شکل اعلام موضع کردیم. بطور طبیعی تا آنجایی که به اختلافات درونی و مباحثاتی که انجام داده اند مربوط می شود اگر لازم باشد می شود در مورد آن صحبت و بحث کرد و قبلا هم صحبت کرده ایم. اما در این ماجرای معین وارد هیچ بحث سیاسی ای نشده ایم و فقط در مورد این ماجرا و در مورد حفظ فضای متمدنانه و سیاسی و تحریک نکردن و متکی نبودن به فضایی که میتواند حادثه ای را رقم بزند حرف زده ایم. در مورد این مسئله تاکید کرده ایم و در این چارچوب خود را محدود کرده ایم. فکر می کنم در این که تلاش کردیم مردم اعتراض کنند و زیر فشارشان بگذارند و مانعی باشند و فشاری بیاورند برای عقب نشینی از این نامه که دبیرخانه نوشته تا حدی موفق بودیم و فکر کنم تاثیر داشت و به درجه ای این کار صورت گرفت. عاقبت چه خواهد شد بستگی به خودشان دارد.

آسو سهامی: من مصاحبه معاون دبیر اول کومله را گوش دادم. در این برنامه از طرف معاون دبیر اول کومله در این بحث و گفتگو مطرح می شود که لحن نامه کمی نامناسب بوده و این همه به اصطلاح جنجال را لازم نداشت

و مدعی اند که کمونیسم کارگری از سر دشمنی با کومله این مسئله را بزرگنمایی کرده است و همین بهانه ای شده که دست به پرورنده سازی علیه کمونیسم کارگری و رهبری وقت حزب کمونیست ایران، بزنند. اولاً جواب شما به این ادعای "بزرگنمایی" و دلیل چنین پرورنده سازی و شانناژها علیه کمونیسم کارگری را چگونه می بینید؟ بخصوص که ما اخیرا شاهد حملاتی اینچنینی از طرف باند زحمتکشان هم بودیم.

خالد حاج محمدی: من فکر می کنم تا آنجایی که به برنامه هایی که پخش شده برمی گردد، بحث و گفتگویی وجود دارد در مورد کنگره ای که در پیش رو دارند. کومله قرار است کنگره خودش را برگزار کند و ما هم هر وقت احتیاج شده در مورد مباحثات و جهت گیری آنها صحبت خواهیم کرد. اما تا آنجایی که بحث معاون دبیر اول کومله، حسن رحمان پناه یا مسئول دبیرخانه، جمال بزرگپور باشد، یک حقیقت در این بحث هایشان آشکار است؛ با این بحث هایی که کرده اند معلوم است می خواهند با آن جناح دیگر تسویه حساب نهایی بکنند و ادعا می کنند که اردوگاه به آنها تعلق دارد و بقیه بحث هایی که خودتان شنیده اید. ولی جمال بزرگپور بطور مشخص گفته: لحن نامه دبیرخانه چون درون حزبی بود و برای رفقای خودمان نوشته بودیم، برای بیرون مناسب نبوده. در نتیجه مدعی شده اند که بزرگنمایی شد و از جمله جریانات کمونیسم کارگری - که شامل ما هم می شود - آن را بزرگ کرده اند. بطور واقعی این توجیهاتی است برای عقب نشینی ای که به آنها تحمیل شد. افتضاح سیاسی را بار آوردند، تهدید کردند و سعی کردند درون اردوگاه ارعاب ایجاد کنند، سعی کردند فضایی ایجاد کنند که نه تنها این هفت نفر از رهبری حزب کمونیست که میخواستند از اردوگاه بیرونشان کنند، بلکه و بعلاوه هیچ مخالفی در مقابلشان عرض اندام نکند و سکوت کنند و تسلیم شوند. این فضای نامه دبیر خانه است و مسئولیت آن به عهده خودشان است. خیلی آشکار است با این تبلیغات بی ارزشی و نازلی که این دو نفر از رهبری کومله از تلویزیون رسمی شان انجام داده اند نمیتوانند این افتضاح سیاسی را لاپوشانی کنند. تلاش کردند این افتضاح سیاسی خودشان را با تعرض به کمونیست ها و ما جواب دهند. فکر کنم این سنتی قدیمی ست در این جریان بعد از ترک ما. علمدار و صاحب این خط «عبدالله مهدی» بود و اثرات آن در میان طیفی از هواداران و هم فکران او، که واقعا ضد کمونیستی است قابل مشاهده است.

نامه دبیرخانه از تشننت حکایت می کند، اما حسن رحمان پناه به عنوان معاون دبیر اول کومله از این می گوید که: ما برادر دو دوست هستیم، منت می گذارد و می گوید اشکال ندارد آنها می توانند فعلا در اردوگاه باشند، کمکشان خواهیم کرد و... این یک سنت رایج در میان احزاب ناسیونالیست کرد است. مسعود بارزانی و جلال طالبانی از همدیگر کشت و کشتار داشته اند اما بعدا همدیگر را بوسیده و آشتی کرده اند. آنها بکرات علیه هم لشکر کشی کرده اند و همدیگر را قتل عام کرده اند و بعدا دست در گردن هم کرده و گفته اند برادریم و پشتیبان همدیگر و گفته اند "آشتباه شد و از این دست مسائل در تاریخ زیاد رخ داده" و این چیز جدیدی نیست.

در میان حزب کمونیست و کومله بعد از خروج ما، این خط و این جهت و ناسیونالیسم و فالانژریسم ضد کمونیستی به پرچمداری عبدالله مهدی علم شد. این سنت و توضیحات رحمان پناه و مسئول دبیرخانه، به جای اینکه روشنگری کنند، به جای اینکه معذرت خواهی کنند، به جای اینکه محترمانه مثل یک انسان مدرن عقب نشینی کنند و یا حداقل بگویند مسئول دبیر خانه ما اشتباه کرده، به ما و منصور حکمت و تاریخ حزب کمونیست و کومله حمله میکنند. فکر نکنم این توجیحات نازل در جامعه کردستان خریدار داشته باشد.

من چند مورد از این مسائلی که گفته‌اند را توضیح میدهم. ابتدا نامه دبیرخانه و دفاعیات این دو نفر را مقایسه کنید با اطلاعیه‌ای که سازمان زحمتکشان علیه حزب حکمتیست (خط رسمی) نوشته و در جواب اعتراضی وسیع به کشتار و ترور که در سازمان خودشان رخ داده، از جمله حزب حکمتیست که تاریخا و همین حالا هم در مقابل این تهدیدات، ارباب، ترور مخالفان در درون سازمان زحمتکشان افشاگری کرده و در آینده هم می‌کنیم، خانواده این پیشمرگه‌ها و این افراد سر به نیست شده اعتراض کرده‌اند. اگر جوابی که عبدالله مهدی داده است را در کنار بحث معاون ابراهیم علیزاده و نامه دبیرخانه قرار بدهید، می‌بینید هر دو در برخورد به مخالف سیاسی یک خط دارند. با این مقایسه مشخص می‌شود شیوه و جهت گیری این خط که شاگردان عبدالله مهدی این جریان ضد کمونیسم، با پرونده‌سازی رایج و دروغ پردازی و با داستان سرایی بی مقدار و ضد کمونیستی در پیش گرفته اند چقدر قوی و نهادینه است. جریان ما این حقیقت‌ها را در زمان خودش درک کرده بود و ما قبلا اخطار داده بودیم و فکر می‌کردیم که عده ای این شیوه را در پیش بگیرند. این عده در مقاطع مختلف از این نوع اظهار نظرها کرده‌اند؛ از جمله حسن رحمان پناه که همان خط عبدالله مهدی است و مشخص است که تقویت هم شده است.

از ادعاهای حسن رحمان پناه به عنوان معاون ابراهیم علیزاده که مطرح می‌کند دو مورد را توضیح می‌دهم. البته ایشان تهمت و افترای زیادی علیه ما و کمونیسم کارگری دوره حکمت بیان کرده است که نازل و شایسته خودش است. این ادعاها آنقدر بی‌ارزش و بی‌مقدار است که با وارد شدن در این فضا انسان احساس می‌کند آنقدر عقب‌مانده و غیر متمدنانه و آنتی کمونیسم و فالانژریسم برجسته‌ایی دارد که ترجیح می‌دهد از آن دوری کنید. سیاسی نیست! من تنها به دو ادعای او اشاره میکنم.

در یک مورد می‌گوید اینها - یعنی ما، منصور حکمت و کلا این جهت - در پلنوم شانزدهم حزب کمونیست ایران عده‌ای را به استعفا وادار کردند. رحمان پناه درست می‌گوید! در پلنوم شانزدهم عده‌ای استعفا کردند و استعفا‌ی آنها پذیرفته شد. چون آنها برنامه‌ای را در آن جریان به راه انداختند و کسانی که در رهبری آن بودند، مثل عمر ایلخانی زاده، ابراهیم علیزاده و کسانی دیگر، توطئه کردند و فضایی را بوجود آوردند، بحث گرد و فارس که در میان ما اصلا وجود نداشت را پیش کشیدند و انشقاق ایجاد کردند. آنها در راس کومه له داشتند یک انشعاب زودرس را تحمیل می‌کردند و یک

کودتای سیاسی کردند و شکست خوردند. در آن پلنوم اعتراف کردند و مسئولیت کار خود و عواقب آن را به عهده گرفتند، و از مسئولیت خود استعفا دادند. وقتی کودتا شکست خورد و عقب نشینی کردند، کناره گیری کردند و کناره گیری آنها مورد قبول واقع شد، به غیر از مورد ابراهیم علیزاده. این یک امر عادی است. اگر هر فرمانده ارتشی هم کودتا کند و شکست بخورد و عقب نشینی کند، درجه هایش را خواهند گرفت و او را خلع درجه می‌کنند. شانس آوردند اخراج نشدند! اگر ذره‌ای انصاف و ذره‌ای پرنسیب سیاسی حکم می‌کرد، من از کمونیسم بحث نمی‌کنم چونکه اینها و نامه‌ی دبیرخانه‌شان ربطی به کمونیسم ندارند، من در مورد فضای جریانی متمدن و امروزی بحث می‌کنم. اگر فضای متمدن در میان آنها جایی داشت، و نامه دبیرخانه که به قول جمال بزرگپور برای رفقای خودشان نوشته شده بود، و جریانی مخالف خود را به عنوان یک "مخفل" معرفی می‌کند که گویا با آمدن به اردوگاه باعث وضعیتی خطرناک شده‌اند و آنها را مسئول عواقب آن می‌دانند، هر کس دیگری بود مسئول آن نامه و یا آن ارگان که دستور نوشتن آن را داده، یا مجبور می‌کرد معذرت خواهی کند و یا اخراج و یا حداقل خلع مسئولیت می‌کرد. و اخطار می‌داد که "شما حق ندارید تهدید کنید." اما متأسفانه این چیزها در میان آنها جایی ندارد و به یک سنت تبدیل شده است.

در نتیجه درست می‌گوید؛ در آن پلنوم تعدادی خلع مسئولیت شدند یا کناره گیری آنها قبول شد. کاش درجه‌ای تمدن در اینجا عمل می‌کرد و این نوع رفتارها در بین آنها هم وجود داشت.

مورد دیگری که حسن رحمان پناه مطرح می‌کند، در زمان جدایی کمونیسم کارگری، مثل هر ناسیونالیست دیگری، که هر وقت در محصنه قرار می‌گیرند به جای بحث سیاسی و نقد سیاسی شروع به پرونده سازی مالی می‌کنند، و دست به چنین کاری زد. چیزی که در میان خودشان مد شده و هرکدام علیه دیگری کلی پرونده مالی، اخلاقی، دزدی، فساد، حقه بازی، محفل‌بازی، توطئه، اخراج و غیره دارند. من وارد این نمی‌شوم. محفل به محفل نه فقط در درون تشکیلات آنها حتی به بیرون هم درز کرده و به هزار نوع شنیده می‌شود؛ از پرونده مالی گرفته تا اخلاقی.

حسن رحمان پناه ادعا می‌کند که هنگام جدایی کمونیسم کارگری و منصور حکمت "گاو صندوق خالی تحویل ما دادند." هیئت آنها و هیئت کمونیست کارگری آن موقع رسماً بر اساس موازینی که اتفاقاً به رهبری منصور حکمت در راس کل آن حزب و از جمله خود آنها، سندی تدوین شد و هیئت هر دو طرف که این دو نفر (منصور حکمت و ابراهیم علیزاده) در راس آن بودند و همه چیز بر مبنای آن سند رد و بدل شد. ابراهیم علیزاده در راس هیئت آنها امضا کرده که تمام امکانات آن حزب و تشکیلات تحویل آنها داده شد. همه چیز! این نامه‌ها به عنوان فکت و اسناد رسمی به امضای هر دو طرف موجوداند و مخفی نیستند و در سایت‌ها هستند. هر کسی می‌تواند به آن مراجعه کند. مدتی طولانیست که اینها علنی

هستند. به اضافه اینکه دبیر اول کومله، که امروز حسن رحمان پناه معاون ایشان است بعد از ده - پانزده سال از جدایی، وقتی در مقابل این سوال قرار می‌گیرد که "منصور حکمت مدعی است فقط با قلمش رفت و همه چیز و امکانات آن تشکیلات تحویل شماها داده شد؟" ابراهیم علیزاده می‌گوید: منصور حکمت درست می‌گوید. او واقعا با قلمش رفت. می‌گوید موازینی را تعریف کردیم، من و منصور حکمت در راس آن بودیم. این جدایی بر اساس آن موازین پیش رفت. حال اگر صندوق پُری که ابراهیم علیزاده به امضای خودش تحویل گرفته، خالی تحویل رفقایش داده که رحمان پناه مدعی است، در چنین شرایطی دو امکان دارد؛ یا ابراهیم علیزاده آن را بالا کشیده که تردید دارم این حقیقت داشته باشد و یا معاون امروز ابراهیم علیزاده شارلاتان و حقه بازی می‌کند. خودشان باید این مسئله را میان خود شفاف سازی کنند؛ که آیا ابراهیم علیزاده صندوق خالی تحویل آنها داده یا این طرف دیگر پرونده سازی و شارلاتان و حقه بازی در می‌آورد؟ این سوال روی میز آنهاست! کنگره دارند و بروند در کنگره حل و فصل کنند و روشن کنند چه کسی بالا کشیده. ولی این میدان کثیف را به آنها واگذار می‌کنم. این سنتی که مهدی پایه‌گذاری کرد و هوادارنش امروز پراتیکش می‌کنند، خودشان حل و فصل کنند. ابراهیم علیزاده جواب بدهد صندوق پری که تحویل گرفته چگونه خالی تحویل داده؟ این چاهی پر از کثافت است که درش را باز کرده اند و هر چه از این بیشتر آن را به هم بزنند بوی تعفنش انسان را خفه می‌کند. به خودشان واگذار می‌کنم که حل و فصل کنند و مشخص کنند کدام طرف درست می‌گوید و کدام دروغگو و حقه باز است.

آسو سهامی: نزدیک به سی سال است که به این شیطان‌سازی از منصور حکمت ادامه می‌دهند. از کمونیسم کارگری و منصور حکمت و رو به اعضای خودشان، برای جامعه. حتی اگر کسی در درون خودشان اعتراض کند فوراً مهر کمونیسم کارگری به او می‌زنند و اخراجش می‌کنند. این شیطان‌سازی چه هدفی را تعقیب می‌کند؟ آیا تا حالا رهبران کومله و ابراهیم علیزاده و حسن رحمان پناه و جمال بزرگپور به اهداف خود رسیده‌اند؟ و از آن طرف عبدالله مهدی، این پرونده‌سازی چقدر موفق بوده؟

خالد حاج محمدی: من فکر می‌کنم هر پرونده سازی‌ای اهداف خودش را دارد و اینطور نیست که آنها بدون هدف این کار را می‌کنند. اما در جامعه‌ای مدرن، مستقل از اینکه راست هستند یا چپ، یا در جامعه هشتاد میلیونی ایران و جامعه کردستان که تحولاتی بزرگ را از سر گذرانده و تاریخی دارد، بالاخره در جامعه ایران چند انقلاب رخ داده‌است، سطح آگاهی عمومی نسبت به دوران عشائیری و فوندالیسم بالاتر است. فرهنگ مدرن، حتی در روستاهای دور افتاده هم رخنه کرده است. ولی از قرار معلوم این فرهنگ (بحتم کمونیسم نیست، از فرهنگ متمدن شهری صحبت می‌کنم) در دره احزاب، دره زرگریز، که دستجات و انواع و اقسام گروه‌ها و احزاب قومی، عشیره‌ای و ناسیونالیستی وجود دارند و کل روابط و معاشرت آنها با هم، با امام جلال‌ها، کاک عبدالله‌ها، کاک عمرها، حزب دمکرات‌ها، محفل پُژاک و... گره خورده و با اینها نشست و برخاست دارند و دنیا را فقط در

هوخواه دارد. متأسفانه معاون ابراهیم علیزاده هم این پرچم را بلند کرده.

بعلاوه من فکر نمی‌کنم ابراهیم علیزاده رهبر این جریان اینقدر از این جریان‌ات و اقدامات معاون و دبیر خانه اش بی اطلاع باشد. این هم سنت جلال طالبانی است که هر وقت دستور کشتار جایی را صادر می‌کرد خودش غیب می‌شد. به همدیگر حمله می‌کردند و قتل عام می‌کردند و بعد می‌گفتند "مام جلال اینجا نبود." هنوز به خاطر دارم زمانی که به دستور جمهوری اسلامی به مقر های ما در سال ۲۰۰۰ در کردستان عراق حمله کردند، به ما و حزب کمونیست کارگری عراق، بعداً مسئولین اتحادیه مهینی در پیامهایی که به ما هم می‌رساندند، مدعی بودند "اگر مام جلال بود این کار را نمی‌کرد، مام جلال نبود، معاونش این کار را انجام داد." این سیاست دیگر کهنه شده و چندان آور است. جامعه کردستان از اینها عبور کرده.

آسو سهامی: وقت برنامه ما مانده است اما هر دو نفر نمایندگان ابراهیم علیزاده ادعا می‌کنند کومله با اتکا به سنت‌های خودش این دوران سخت را هم سپری می‌کند و برای اثبات به مقاطع دیگر کومله رجوع می‌کنند. لطفا کوتاه نظر شما در این مورد چیست و این روند چطور پیش خواهد رفت؟

خالد حاج محمدی: می‌شود روی این مسئله بحث زیادی کرد و ما در مقاطع مختلف در مورد این جریان و پایانش و سیاست‌هایی که اتخاذ کرده مواضع خود را بیان کرده ایم. البته در بخش‌های قبلی صحبت‌هایم مقداری توضیح داده‌ام. گفتم کومله و حزب کمونیست ایران در تاریخ خود با چیزهایی تداعی می‌شد. اما کومله امروز با تمام شاخه‌هایش - مشخصاً کومه له ابراهیم علیزاده که امروز مورد گفتگوی ما بود - در تمام مقاطع مهم سیاسی در کنار ناسیونالیست‌های کرد ایستاد، در کنار عبدالله مهندي و بقیه ایستاد. کنگره ملی کرد که ابراهیم علیزاده در آن شرکت کرد، بدون اینکه خطی مستقل پیش ببرد از کل این اقدام و این پدیده دفاع کرد. در کنار تمام جریان‌ات ارتجاعی محلی به نام "گردایتی"، ایستادند؛ جریان‌ات اسلامی سنی، جریان‌ات قومی و ناسیونالیستی، جریان بارزانی، پ کا کا، پژاک، پنجاه-شصت جریان ناسیونالیستی، و بخش‌های فاشیستی. در اتحاد احزاب کردستانی حضور داشتند. و همیشه سعی کرده‌اند مثل جناح چپ این جریان‌ات با پرچم کومله و با پرچم دفاع از سوسیالیسم عرض اندام کنند. این سیاستها ربطی به تاریخ کمونیسم ندارد. سکوتشان در آن مقابل دولت اقلیم، در مورد زن‌کشی در آن جامعه و اجحافتی که به کارگران و زحمتکشان روا داشته می‌شود. آرزوی اول و آخرشان "جنبش ناسیونالیسم کرد" است، که آنها به آن می‌گویند "جنبش کردستان"، اما در واقع جنبش ناسیونالیسم کرد است و این‌ها پایه اصلی وفادار به این جنبش بودند. طبیعتاً با پرچم چپ، و ما در هر مقطعی درباره آن صحبت کرده‌ایم. اما این تاریخ کمونیسم نیست. این تاریخ شاخه‌ای از حزب کمونیست ایران بعد از جدایی ما است که در تشکیل آن حزب سهیم بودند،

ایران که از دست حکومت اقلیم جان به لبشان رسیده این حرفهای را بزنید، کارگران مهاجر با چوبدستی دنبالت میکنند و می‌گویند "حق ندارید اسم جان باختگان و تاریخ کومله و حزب کمونیست ایران آن دوره را به زبان جاری کنید." حق ندارید از آن اعتبار در خدمت کارهای مفتحانه‌ی امروزتان استفاده کنید.

برادر من! آخر عقل هم چیز خوبی است! افتضاحی را به وجود آورده‌اید بروید جمع و جورش کنید! کمی متمدن باشید! چرا به ما فحاشی می‌کنید؟ بروید جنگ و دعوی خودتان را بکنید، اما این کار را سیاسی انجام بدهید. رفقایان را تهدید نکنید! سناریو عبدالله مهندي که اردوگاه خودتان را در موقع جدایی محاصر کرد، کنگره تان را گروگان گرفت، پلیس سلیمانیه و پاسبان های مام جلال تان را به داخل اردوگاه آورد و نقشه ترور تان کشید را تکرار نکنید! لطفا این کارها را نکنید! اگر نیرویی متمدن هستید و اگر نیروی پیشمرگه شما هم متمدن است و فقط اسلحه به دوش و تفنگچی نیست، لطفا رفقای خودتان را با تفنگچی تهدید نظامی نکنید! بروید جدا شوید! هر کاری می‌کنید مسئله خودتان است و من به این جنبه کاری ندارم. ولی این فضا و فحاشی و بی آبرویی که راه انداخته اید نه در مورد ما، حتی در مورد اختلافات خودتان و آن جناح دیگر، چیزی در مورد مخالفان نمی‌گوید! این بیان موقعیت خودتان است و اعتبار خودتان را زیر سوال می‌برد. انسان احساس می‌کند حتی برای خودتان هم احترام شخصی قائل نیستید. جامعه کردستان تمدن در آن رشد کرده و خیلی تغییر کرده. حتی اهل روستاهای دور افتاده دوره فئودالیسم، که ماشین را به چشم ندیده بودند، گوش به حرفتان نمی‌دهند. امروز فرهنگ شهری همه جا رشد کرده. این فرهنگ و این نوع حرف‌ها فقط به درد حجره مساجد می‌خورد. برای طلاب خوب است، نه جامعه کردستان. جامعه کردستان از شما عبور کرده است! به اعتبار تاریخ گذشته کمونیسم در کردستان و حزب کمونیست و کومله دوره ما، نمی‌توانید شاگردی تان برای جلال طالبانی و عبدالله مهندي را به رخ مردم بکشید و به آنها بفروشید! آن همه احترام برای عبدالله مهندي که برنامه ترور ابراهیم علیزاده را کشید و عمر ایلخانی زاده آن را افشا کرده؟ خودتان به کرات در محافل گفته‌اید که می‌خواستند اردوگاه را محاصره کنند. این شخص در هیچ کجا آبرو ندارد و حتی درون تشکیلات خودشان در مورد ترور کلی شاکی دارد. این همه احترام برای عبدالله مهندي، برای رئیس جمهور کردستان عراق و این همه بد دهنی و بی تربیتی علیه ما و مخالفین سیاسی تان، به راستی باعث بی‌آبرویی بیشتر شما می‌شود. این مسیری است که انتخاب کرده‌اید، و من فکر نکنم از روی ناآگاهی باشد. اما مشخص است و ما از قبل می‌دانستیم! ظاهراً ظرفیت ضد کمونیستی، فالانژیستی و فاشیستی ای که عبدالله مهندي پرچمدارش بود در جریان شما

این محدوده می‌بینند، انگار فرهنگ و تمدن شهری هنوز به آنجا راه نیافته است. به همین دلیل است به جای نقد سیاسی، نه از ما بلکه از خودشان، به اتهامات کثیف دست می‌برند! انسان احساس شرم میکند و تأسف می‌خورد حتی در موردش حرف بزند. در قرن بیست و یکم جریان‌اتی با هم اختلاف دارند، پرونده مالی و اخلاقی و هر چیز ناپسند و دور از تمدنی را به اسم مبارزه سیاسی علیه مخالفان سیاسی خود تولید میکنند. مشتری این تولیدات در جامعه کردستان وجود ندارد. طبیعتاً جامعه کردستان چند میلیون نفر است و در چنین جمعیتی لابد عده‌ای فالانژ و ضد کمونیست پیدا می‌شوند که این پرچم‌ها را بلند کنند و به هوادار "الله و اکبر" گفتن محافل ضد کمونیستی تبدیل شوند. اینها گویی در حجره روستاهای دوران فئودالی زندگی میکنند. من تأسف می‌خورم این فضای آن‌ها است، این فضای جامعه کردستان نیست. جامعه کردستان شهری‌تر و متمدن‌تر از آن فرهنگ است. آشنایی به کمونیسم در آن جامعه برجسته‌تر است. کمونیسم در جامعه کردستان پرچمدار آزادی و برابری زن و مرد بوده و با دفاع از حقوق کارگر تداعی می‌شد. کمونیسم در جامعه کردستان با مقابله با فرهنگ عشایر و عقب افتاده و ضد زن تداعی می‌شد. کمونیسم در جامعه کردستان در مقابل هر نوع فضای ضد کمونیستی، ارتجاعی، اسلامی، سنی‌گری؛ که پرچمدارش حزب دمکرات، ملا و کدخدای روستاها بود ایستاد و آنها را مجبور به عقب نشینی به دخمه های گندیده خود کرد. ما اینها را به عقب رانیدیم. امروز در "دره احزاب" با همین سنت زندگی می‌کنند و به جای نقد سیاسی، علیه کمونیسم این سنت را به کار می‌گیرند. من فکر می‌کنم به قول رهبری حزب دمکرات ملا عبدالله حسن زاده که زمانی گفت "وقتی قیام ایران اتفاق افتاد ما بی اطلاع بودیم و در گوش گاو خوابیده بودیم"، در واقع احساس می‌کنید اینها هم در گوش گاو خوابیده‌اند و از این تحولات بی اطلاع هستند. تلاش میکنند با سو استفاده از کارنامه پر افتخار کمونیسم در کردستان، و به نام آن تاریخ شاگردی خود و دنبالچه بودن جلال طالبانی را به رخ مردم بکشند، کاری که حسن رحمان‌پناه انجام می‌دهد. آخر برادر من! دفاتر و مقرهای جلال طالبانی شما، ده‌ها بار از طرف مردم آزادیخواه کردستان عراق آتش زده شد. شما که امروز افتخار می‌کنید و در مقابل اعضای رهبری حزب تان می‌گویید "این اردوگاه مال من است، سندم هم این است که در جلسه ای با حضور خود "مام جلال" ایشان آنرا به "کاک سید ابراهیم علیزاده" اعطا کرده است!!! و در نتیجه جای شما اینجا نیست!" این عین فرهنگ عشایر و خوانین است، فرهنگ مسعود بارزانی است، فرهنگ پدرش مصطفی بارزانی است! این فرهنگ مردم کردستان نیست. با این فرهنگ و این صحبتها در شهر سلیمانیه مردم محروم شما را به عنوان نوچه طالبانی با چوب دستی دنبال میکنند. لطفا بروید در خیابان های شهر سلیمانیه در میان کارگرهای مهاجر کردستان

## زنده باد انقلاب کارگری

وجود داشته، تاثیر گذار بوده و در مقطعی و بعد از جدایی کمونیسم کارگری، پرچم خودشان را برداشته‌اند. پرچمدارشان عبدالله مهدی بود. ظاهراً امروز متأسفانه این‌ها حتی از آن ذره چپ‌روی، رفاه‌خواهی و عدالت‌خواهی عقب‌نشینی کرده‌اند. ظاهراً آن چیزی که حسن رحمان پناه و بقیه بحث می‌کنند و اطلاعیه رسمی‌شان، که به پای حزبشان نوشته می‌شود، مثل سندی، مثل اطلاعیه عبدالله مهدی علیه ما در جواب به کشتار در صفوف خودشان، به عنوان بخشی از تاریخ خواهد ماند. همه این موارد نشان می‌دهد در جهت دیگری می‌روند. امیدوارم عده‌ای در درون صفوفشان قد علم کنند به اعتراض و بگویند "این درجه از فالانتریزم آبرو و حیثیتی برای ما در کردستان نخواهد گذاشت." مثل نیروی متمن، چونکه این‌ها ربطی به کمونیسم ندارند.

بهر صورت چیزی که مد نظر ما بود این بود که فضایی که علیه مخالفین خود در حزبشان ایجاد کردند را سعی کردیم با فشار سیاسی خنثی کنیم و نگذاریم اتفاقات ناگوار را رقم بزنند. آن فشار را احساس کردند و به این خاطر است که عکس‌العمل نشان دادند. فشار ما و بقیه موثر بود و امیدوارم دست از این نوع حرکات و اعمال، که ظاهراً ظرفیت آن را دارند، بردارند، و امیدوارم این تهدیدات عملی نشود.

## آخر باند مهدی و ...

### مصاحبه رادیو نینا با سهند حسینی

به دنبال صدور حکم جلب دو تن از مسئولین باند زحمتکشان عبدالله مهدی، به اتهام قتل یکی از پیشمرگهای این جریان به اسم "پو حسینی" طومار و همچنین کمپینی در محکومیت و افشاکاری علیه این جریان به راه افتاد. در این طومار ضمن اشاره به یک زنجیره قتل‌های مشکوک که در اردوگاه این جریان اتفاق افتاده، مسئولین این جریان آنها را خودکشی نام نهاده‌اند، خواستار حمایت احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و انسان‌های آزادیخواه و کمونیست از این کمپین شده‌اند. جدا از انسان‌های آزادی‌خواه و کمونیستی که این طومار را امضا کرده‌اند؛ تا به الان تنها حزبی که عملاً و با پراکتیک از این طومار و کمپین حمایت کرد و پشتش ایستاده، حزب حکمتیست خطر رسمی بوده. به دنبال تأثیرات مثبت این طومار در داخل جامعه و حمایت بیشتر انسان‌های آزادیخواه از این طومار، گویا تأثیرات این طومار به اندازه‌ای بوده که باعث ایجاد اعتراضاتی در درون این جریان شده است و افراد زیادی خواستار روشن‌گری مسئولین این جریان در رابطه با این قتل‌ها شده‌اند. به همین دلیل جریان عبدالله مهدی با عجله و به شیوه‌ای هیستریک اقدام به صدور اطلاعیه‌ای بر علیه حزب حکمتیست خطر رسمی کرده است. برای بررسی این موضوع امروز با "سهند حسینی" دبیر دفتر کردستان حزب حکمتیست خطر رسمی به مصاحبه می‌پردازیم.

رادیو نینا: سهند حسینی ضمن خوش آمدگویی به شما، قبل از هر چیز می‌خواهم از زبان شما بشنوم که جریان چیست و چرا باند زحمتکشان عبدالله مهدی این چنین هیستریک اقدام به

صدور اطلاعیه علیه حکمتیست خطر رسمی کرده؟ و همچنین تلویزیون جناح ایلخانزاده برنامه‌ای را به حمله به حزب حکمتیست خطر رسمی و دیگر انسان‌های آزادی‌خواه اختصاص داده؟

سهند حسینی: فکر می‌کنم به دلیل خیلی روشن، باند زحمتکشان مستقیم و سرراست سراغ حزب ما آمده است. تنها جریانی که از همان بدو جراحی و تولد این موجود نحس، مخاطرات آنرا به جامعه و احزاب سیاسی هشدار داد، ما بودیم. همان موقع که نقشه حمله و محاصره اردوگاه حزب کمونیست ایران و کومه‌له و طرح قتل عام رهبری آنرا طرح ریزی کردند، ما هشدار دادیم. طرح چنین حمله‌ای را بعداً عمر ایلخانی زاده در جریان اختلافات دوباند زحمتکشان فاش کرد.

طرح ترور تعدادی از رهبری و کادرهای حزب حکمتیست که در کردستان عراق مستقر بودند را شورش خراسانه بعدها فاش کرد و ما تلاش کردیم تروریسم این باند را به جامعه نشان دهیم. از این دست طرح ترور مخالفین و کشتن هرکسی که مخالف آنها باشد، نمونه‌های بیشترش را افراد جدا شده از این باند به شیوه علنی منتشر و بازگو کرده‌اند. الان دیگر تروریسم و فالانتریزم این باند به پدیده‌ای داده شده تبدیل شده است. آنچه که با اهمیت است جنبش و حزب ما از همان ابتدا تحلیلی درست و دقیق را از این سازمان فاشیستی به جامعه نشان داد. از همان ابتدا نشان داد که این سازمان نمی‌تواند به یک سازمان متعارف سیاسی در کردستان تبدیل شود. نشان داد که این جریان هیچ پایه جنبشی ندارد و هیچکدام از جنبش‌های موجود در جامعه کردستان را نمایندگی نمی‌کند. نه حتی متعلق به جنبش ناسیونالیستی کرد است. جنبش ناسیونالیستی کرد احزاب با سابقه خودش را دارد و باند زحمتکشان نمی‌تواند حتی جزو سازمانها و احزاب ناسیونالیستی دسته بندی شود. در بخش چپ و کارگری در کردستان اتفاقاً این جریان یکی از دلایل جراحی و تولد دشمنی عمیق و طبقاتی آن با کمونیسم در کردستان و سوسیالیست‌های آن است. ما از همان ابتدا هشدارهای خودمان را در مورد این جریان داده‌ایم. ما تأکید کردیم این جریان به دلیل اینکه نمی‌تواند در سوخت و ساز جامعه طبقاتی دخیل باشد، به دلیل اینکه متعلق به هیچکدام از جنبش‌های اجتماعی دخالتر نیست، نمی‌تواند بر همین مبنا فعالیت متعارف سیاسی اجتماعی را داشته باشد. این باند تنها از طریق ترور و کشتن مخالفینش می‌خواهد خودش را تحمیل کند. این جریان برای ابراز وجود حتماً با زور اسلحه سراغ جامعه و مخالفینش خواهد رفت. اما پدیده‌ای که در این دوره اتفاق افتاده است تمام هشدارهای ما که در بیست سال گذشته در مورد این باند داده بودیم، امروز از طرف افراد و فرمانده‌های جدا شده از این باند مستند، و فاش شده است.

از همه این مسائل مهمتر، وقتی از درون جامعه و به شیوه ماکروتر به مسئله نگاه کنیم، این جریان پدیده‌ایست که می‌خواهد خود را به ذهنیت جامعه تحمیل کند. در جنگ و جدال جنبش‌ها و طبقات متخاصم اجتماعی نمی‌توان اثری اجتماعی از باند زحمتکشان دید. در

جدال کارگر و مردم زحمتکش که حزب ما به عنوان بخش متحزب طبقه کارگر و جنبش کارگری، در راس مبارزه ایی مداوم قرار داشته است؛ در مبارزه برای معیشت و رفاه و آزادی در این جامعه حزب حکمتیست (خطر رسمی) را نمی‌توان از سوخت و ساز این جامعه جدا کرد و در راس این تعرض و جنبش این حزب نقش اساسی ایفا می‌کند. باند مهدی کاملاً این پدیده را درک کرده است. شکی ندارد تنها حزبی که در مقابل ایجاد مخاطرات این باند در حال واکنش کردن جامعه است و در تلاش است تحرکات باند نامبرده را محدود و محدودتر کند حزب ما است. حزب حکمتیست (خطر رسمی) تا همین الان توانسته که این باند را در گوشه و حاشیه قرار دهد و ذهنیت مردم کردستان را در مورد مخاطرات و ناامن کردن فضای سیاسی مبارزاتی جامعه را روشن کرده است. دشمنی عمیق این باند نسبت به این حزب و کمونیست‌های کارگری در نتیجه شکست عمیقی است که این باند در سطح اجتماعی از ما خورده است. به همین دلیل است که به شیوه‌ای هیستریک به ما حمله می‌کنند، می‌دانند که اگر بخواهند کارگر را بزنند، اگر بخواهند مبارزه سیاسی را بزنند، اگر بخواهند مبارزه اجتماعی طبقه کارگر و زحمتکش را بزنند، مجبورند از طریق حمله به حزب سیاسی این طبقه که حزب حکمتیست (خطر رسمی) هستش این کار را به پیش ببرند. سراغ حزب ما آمده‌اند چون فکر می‌کنند با حمله به ما، با آن فضای سیاسی متلاطمی که همین امروز وجود دارد، معلمین، بازنشستگان، کارگران و اقشار مختلف جامعه در کردستان و دیگر شهرها مشغول مبارزه هستند و در این سوخت و ساز و در این دینامیسم جامعه جایی برای یک باند تروریست که تنها از طریق قتل و تنها از طریق اسلحه و پول گرفتن از قدرتهای ارتجاعی و به پیش بردن جنگ نیابتی، جامعه را به سوی نا امنی سوق می‌دهند، وجود ندارد. به همین دلیل سراغ تنها حزبی می‌آیند که طی این سالها آنها را افشاء کرده است. تلاش ما این است که جامعه را در مقابل این جریان فاشیستی کاملاً ایمن‌سازیم و امکان ماجراجویی و ایجاد سناریوی سیاه را کاملاً از این باند فالانتریزی بگیریم.

رادیو نینا: در اطلاعیه باند زحمتکشان که علیه حزب حکمتیست (خطر رسمی) صادر کرده، چند نکته قابل تأمل هستش نخست اینکه همان روش نخ نمای قدیمی برای بستن دهن مخالفان درونی و بیرون استفاده می‌شود. زدن اتهام امنیتی به امضاکننده گان طومار و همچنین حزب حکمتیست خطر رسمی و اینکه گویا از این طریق مواد و مصالح تبلیغی را برای ارگان‌های جمهوری اسلامی فراهم کرده‌اند. اولاً این موضوع چقدر می‌تواند واقعیت داشته باشد و در ثانی حتی اگر فرض کنیم که جمهوری اسلامی بخواهد از این افشاکاری سواستفاده کند. به این معنی که اگر یک جریانی سیاسی هر کثافت کاری و جنایتی را بخواهد از ادانه انجام دهد ولی تنها به خاطر اینکه آتو دست رژیم جمهوری اسلامی ندهیم، باید سکوت کنیم؟

سهند حسینی: من فکر می‌کنم که این تلاش بی‌مایه‌تر از آنی است که حتی صفوف درونی خودشان را هم راضی کند. با سابقه‌ای که جریان ما دارد، ممکن نیست کسی این ترهات و

کنسولگری های آمریکا و عربستان و... را برای تحویل گرفتن بوسیده اند اما به جایی نرسیده و به آخر خطر رسیده اند. تضمین طرد و منزوی شدن بیشتر اینها، وظیفه ماست و ما دست همه کسانی که در این مسیر همراه ما هستند را به گرمی می فشاریم." سوال آخر اینکه شما یعنی حزب حکمتیست خط رسمی چه اقدامی در حمایت از این کمپین انجام داده اید و پیامتان رو به دیگر افراد و احزاب کمونیست که خود را در قبال جان انسانها و مردم مسئول می دانند چیست؟

سهنّد حسینی: با سپاس از بازخوانی این بند از اطلاعیه دفتر که به طور واقعی چکیده سیاست و جهت دفتر و حزب ما را می توان در این بند از اطلاعیه دید. شاید دوباره تاکید اینکه اینها نه یک جریان متعارف ناسیونالیستی که نماینده جنبش خاصی در جامعه باشند، نیستند. اینها باندی هستند که تعدادی تفنگچی و افراد مسلح اجیر کرده اند و تنها می خواهند بازور اسلحه و قمه و چاقو حرفشان را بزنند. این باند نباید جزو جریانات ناسیونالیستی حتی دسته بندی کرد و نباید به آنها ارفاق کرد. همچنانکه در اطلاعیه هم روی فالانژیسم و فاشیسم این جریان تاکید شده، تاکید می کنم این جهت اصلی ما در تقابل با هر باند و جریانی است که بخواهد امنیت جامعه و مبارزه سیاسی را برهم بزند.

اما تا آنجایی که به خود کمپین برمی گردد، حزب ما تنها حزبی بوده که با قدرت در کنار آن قرار گرفته است و تلاش کرده هر چه بیشتر و بیشتر کمپین را وسیعتر و تاثیر گذارتر کند. در همین رابطه حزب از همه احزاب، شخصیتها و آزادیخواهان و خانواده کسانی که در این جریان به قتل رسیده و یا سر به نیست شده اند خواسته که در کمپین فعال باشند و تلاش کنند هر چه بیشتر این باند را افشا نمایند. همچنین از افراد جدا شده از باند مهدی درخواست کرده که نقشه های ترور این باند و سوخت و ساز این باند در ترور مخالفین، آن را برای جامعه فاش کنند. تا همین الان چند نفر در مصاحبه های گوشه هایی از اوضاع درون این باند را برای مردم بازگو و افشا کرده اند. از خانواده افراد به قتل رسیده درخواست شده است که به این باند فشار بیاورند تا وضعیت فرزندانشان را روشن نماید. در همانحال ما به همه احزاب و شخصیتها فراخوان دادیم که چه همراه با کمپین و چه مستقلا تلاش کنند هر چه بیشتر این باند فالانژیستی را حاشیه ای کنند. از همینجا دست تک تک احزاب و شخصیتهای که تلاش دارند در این جهت حرکت نمایند را به گرمی می فشارم. قطعا هر اندازه بتوانیم تاثیرات و مخاطرات چنین باندهای فاشیستی و فالانژیستی روی جامعه محدود و محدودتر کنیم به همان اندازه، جامعه ای متعارف تر و سیاسی تری خواهیم داشت. در یک جامعه متمدن و شهری جایی برای فعالیت باندهای گانگستری نخواهد بود. جهت و سیاست ما تا تثبیت چنین مدنیته ای ادامه خواهد داشت.

۱۵ ژانویه ۲۰۲۲

باندی که نه پایه جنبشی در جامعه دارد و نه نماینده یک تحرک اجتماعی و از پایین درون جامعه است؛ نه تولد و جراحی اش و نه جدایی و اتحادش نمی تواند کوچکترین تاثیری روی سوخت و ساز جامعه داشته باشد. اختلافات این باند هم بر همین مبنا مربوط به تقابل و جدال سنتها و جنبشهای درون جامعه نمی تواند باشد. دعوی اینها و جنگشان با هم بر سر ارث و میراث و پولی بود که از طرف دولتهای مرتجع منطقه و حکومت اقلیم عایدشان می شد، صورت گرفت. بی شک تصاویر مشتمل کننده جنگ و دعوی این دو باند را کسی از یاد نبرده است. همانند قبیله های وحشی با چاقو و چماق و اسلحه همدیگر را لت و پار کردند. اگر نیروهای آسایش و حکومت اقلیم وارد عمل نمی شدند و میانجیگری نمی کردند یقینا تعداد زیادی از دو طرف کشته می شدند. جنگ باندهای گانگستری در هیچ جای دنیا روی تحولات جامعه تاثیر گذار نبوده تا کردستان دومی اش باشد. نه تولد و نه جدایی و نه اتحاد باندهای فالانژیستی از نوع باند مهدی قطعا هیچ تاثیری روی فعل و انفعال اجتماعی و سیاسی جامعه کردستان نمی تواند داشته باشد. اما نگرانی بیشتر سر این مسئله است که باندی با تعدادی آدم مسلح و تفنگچی می تواند برای مردم مخاطراتی را ایجاد کند. تلاش ما و جنگ ما اتفاقا از سر همین مسئله می آید. ما زور خود را برای ایمن کردن یک مبارزه سیاسی متمدن و متعارف می زنیم. برای امنیت جامعه و برای پیشبرد مبارزه سیاسی در یک جامعه متعارف ما راهی نداریم که جز اینکه مخاطرات و پارازیتهایی چون باند مهدی را افشا و خنثی کنیم و فعالیتهای این جریانات فاشیستی را با فشار اجتماعی و با ایجاد جبهه های متعدد در برابرشان محدود و محدودتر کنیم. ما در کنار کمپین کمونیستها و مبارزین آزادیخواه قرار گرفتیم چون فکر می کردیم این کمپین می تواند یکی از ابزارها و امکانات محدود کردن و فاش کردن باند مهدی باشد. تا همین الان ما به نتایج قابل قبولی رسیده ایم و این جدال و مبارزه را تا محدود کردن کامل این جریان فاشیستی و در کنار جنگ اصلی مان با نظام بورژوازی جمهوری اسلامی، ادامه خواهیم داد.

رادبو نینا: در همین رابطه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) اطلاعیه ایی با سر تیتر "آخر خط باند مهدی" صادر کرده است. اجازه بدهید قبل از اینکه سوال آخر را مطرح کنم، بند آخر اطلاعیه را بخوانم، در اطلاعیه دفتر کردستان آمده: "ما برای بار چندم اعلام می کنیم که اینها نه یک جریان سیاسی متعارف ناسیونالیست کرد، که یک باند تبهکار، فالانژیست و فاشیست اند و به همین عنوان باید به همه معرفی شده و طرد و رسوا شوند. یک جامعه سیاسی پویا، نمی تواند فاشیسم و فالانژیسم را در درون خود هضم کند، در کردستان هضم نشده و به همین دلیل امروز نه فقط رسوا و منفورترین موجود در جامعه بعد از جمهوری اسلامی است. اینها جریانی از همه جا رانده که هزاران بار دست ماموران مرزی ایران برای توافق، پاسبانان

شانناژها را از آنها قبول کند. فکر نمی کنم هیچ آدم با وجدان و مسئولی برچسب اطلاعاتی زدن این باند را به پدر آپو حسینی که خواهان روشن شدن و دستگیری قاتلین فرزندش هست را از آنها قبول کند. کسی نسبت دادن صدها نفر از امضا کنندگان کمپین افشای این باند را به اطلاعاتی بودن از آنها قبول نخواهد کرد. این تلاشها به شدت آبیکی است و سبک بودن، بی مایگی و سطح پایین این باند را به نمایش می گذارد. جالبی قضیه در این است که جریانی به حزب ما، به مبارزین کمونیست و خانواده کشته شده گان درون این باند، برچسب ناروا می زند که خودش در پابوسی پاسبانهای کنسولخانه های رژیم داستانی دارد. عکس یادگاری مهدی با موسسین سپاه و اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی جزو یکی از افتخارات شان است. سازگارا و نوری زاده این مهره های سوخته و بی مایه برای مهدی و باندش جزو شخصیتهای مهم هستند. سلیمانی تروریست و آدمکش برای مهدی شخصیتی کاریزماتیک و متخصص است. تعریف و تمجیدی که مهدی از قاسم سلیمانی می کند حتی اشک خامنه ایی را در می آورد. این باند نشستههای مخفی با مهره های درجه چندم سپاه و اطلاعات را در شهر سلیمانیه در کارنامه خود دارد و مرادیه با پاسبان و پاسدارهای رژیم مایه افتخار این باند است. برچسب اطلاعاتی زدن و ارتباط کمونیستها با جمهوری اسلامی از طرف چنین باندی بیش از اندازه زمخت، آبیکی و بی مایه است. فکر می کنم پرداختن به این موضوع به شدت غیر ضروری است و کسی چنین اهانتی را از آنها قبول نخواهد کرد.

رادبو نینا: نکته ای دیگری که در اطلاعیه باند زحمتکشان آمده، گویا حزب حکمتیست (خط رسمی) و امضا کننده گان این طومار در سرو بند یکی شدن هر دو سازمان زحمتکشان و به منظور کارشکنی و شکست پروسه یکی شدن هر دو سازمان زحمتکشان این کمپین را به راه انداخته اند. در همین رابطه نیز تلویزیون "اسو سات" مربوط به جناح عمر ایلخانی زاده نیز به روش مستند سازی های رژیم جمهوری اسلامی، مستند "لیه تیغ" خودشان را ساخته اند و ضمن توهین و بی حرمتی به افراد و احزاب کمونیست، مصاحبه ای را با "عبدالله آذر بار" ترتیب داده که گویا تلاشهایی صورت گرفته که پروسه یکی شدن این دو جریان را به شکست بکشاند. سوال اینجاست که اولاً این دو جریان چه اختلاف سیاسی یا تشکیلاتی با هم داشتند که منجر به انشعاب آنها از همدیگر شد؟ و دیدیم که در جریان انشعابشان چه جنایتهایی علیه همدیگر و خصوصا پیشمرگهای هردوجناح نکردند. اصلا انشعاب و یا متحد شدن مجدد آنها چه تاثیر مثبت یا منفی بر مبارزات طبقه کارگر و زحمتکش ایران و خصوصا کردستان می گذارد که شما یا هر حزب دیگری از آن نگران باشد و بخواهد آنرا به شکست بکشاند؟

سهنّد حسینی: ایدا هیچ تاثیری روی فعل و انفعال و هیچ اعتراضی در جامعه ندارد. ادعایی بی پایه و کاملا پوچ است. جریان و



## اطلاعیه دفتر کردستان حزب: درب قتلگاه باند زحمتکشان را باید گل گرفت!

با پافشاری و اصرار خانواده آپو حسینی، دادگاه شهر عربت حکم بازداشت دو نفر از مسئولان باند زحمتکشان، که متهم به قتل آپو هستند، را صادر کرده است. علی سیف و حسین فرجی (اردلان) مسئولین نظامی و امنیتی قتلگاه زحمتکشان هستند که حکم دستگیری آنها از طرف دادگاه صادر شده است. بر اساس بررسی ها و شواهد موجود در دست دادگاه قاتلین با نقشه قبلی و طبق برنامه اقدام به کشتن آپو حسینی کرده اند. امری که در همان ابتدا روشن و مسجل بود و ما یکسال پیش در همین رابطه هشدار داده بودیم.

مسئله خودکشی ها، قتلها و سر به نیست کردنها و اقدام به ترورها و ... در درون باند زحمتکشان امری به قدمت باند زحمتکشان است. فقط در دو سال گذشته ۱۶ نفر در درون اردوگاه این باند خودکشی کرده و با خودکشی داده شده اند. ما جامعه کردستان را در مناسبتهای مختلف در رابطه با خودکشی ها و ترورها از طرف این باند در جریان گذاشته ایم

و سیاستها و تحرکات این باند تبهکار را افشا کرده ایم.

با روشن شدن کیس آپو حسینی، روشن است که مسئولیت کلیه خودکشیها، خودکشی دادنها، قتلها و ترورها کس یا کسانی جز رهبری و مسئولین رده بالای این باند تبهکار، فرد دیگری نمی تواند باشد. روشن است که ترور، قتل، سر به نیست کردن و... سیاست و نقشه شوم رهبری تبهکار این باند علیه هر فرد یا افراد مخالف مهددی و قدرت بلامنازع او در این باند است. اصرار خانواده آپو حسینی تجربه مهم و درسی برای همه خانواده هایی است که جگر گوشه ها و فرزندانشان را در این باند از دست داده اند و ضروری است که همه خانواده ها خواهان روشن شدن چگونگی به قتل رسیدن فرزندانشان در درون باند زحمتکشان باشند.

تروریسم، ظرفیت آدمکشی و به قتل رساندن مخالفین سیاسی این باند، ترور فعالین آزادیخواه و کمونیستها و ظرفیت به رگبار بستن هر مخالف این باند دیگر برای همه روشن است. دیگر هیچ شخصیت و سازمانی توهمی نسبت به آزادیخواه بودن، به مبارز بودن این باند مخوف ندارد، برعکس به عنوان یک نیروی پارازیت و آدمکش و به عنوان باند

تبهکار که وظیفه و امری جز ضدیت با آزادیخواهی، آشوب و شکار فعالین و اقدام برای ترور کمونیستها برای خود تعریف نکرده است.

افشاگری و روشنگری از اقدامات این باند دیگر کافی نیست. باید اقدامات گسترده تری را از طریق پیوند خانواده های مقتولین در دستور قرار داد. باید آزادیخواهان و شخصیتهای خوشنام و مسئول در کردستان با حساسیت بیشتری به مسئله برخورد کنند و باید احزاب مسئول و آزادیخواه اقدامات موثرتری برای منزوی کردن و جمع کردن کامل بساط این باند تبهکار در دستور خود قرار دهند.

باید متحدانه و با اقدامی مشترک درب قتلگاهها ی این جریان را به گل گرفت و تخته کرد. نباید اجازه داد یک بار دیگر خون جوان دیگر در درون اردوگاه این سازمان مافیایی به زمین ریخته شود. باید مسئولین رده بالای این باند و در راس همه آنها "عبدالله مهددی" را در یک دادگاه مردمی به محاکمه کشاند و برای تمام اقدامات تبهکارانه اشان دادگاهی و مجازات شوند!

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)**

۲ دسامبر ۲۰۲۱

## نامه سرگشاده به ابراهیم علیزاده، رهبری کومه مقابله با فضای مخاطره آمیز در اردوگاه کومه و وظیفه شما است

طی روزهای اخیر از طرف دبیرخانه کومه، اقداماتی صورت گرفته است که برای ما بعنوان یکی از سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، نگرانی جدی در مورد نحوه برخورد به اختلافات سیاسی در اردوگاه نظامی کومه در کردستان عراق بوجود آورده است.

نامه سرگشاده ما، نه در مورد محتوای اختلافات سیاسی در حزب کمونیست ایران و کومه و نه در مورد اختلاف سیاسی حزب ما با هریک از این جناحها، که در مورد نگرانی ما از مخاطراتی است که مانع ایجاد و حفظ فضای سالم سیاسی در فضای اپوزیسیون ایران است.

اخیرا نامه‌ای از طرف دبیرخانه شما خطاب به اعضای کومه، به بهانه ورود تعدادی از اعضا رهبری حزب کمونیست ایران به اردوگاه منتشر شده است که ضمن اشاره به وجود فضای متشنج میان پیشمرگان، مملو از تهدید به درگیری نظامی و همزمان به شدت تحریک آمیز است. نامه‌ای که ظاهرا برای "آرام" کردن اوضاع در یک اردوگاه نظامی نوشته شده است، بوی باروت می‌دهد!

مسئول دبیرخانه کومه با ادبیاتی تهدید آمیز به راه افتادن اعتراض "خودجوش" میان پیشمرگان علیه حضور جمعی هفت نفره از جناح مقابل در اردوگاه اشاره می‌کند. ایشان در ادامه به نام کمیته رهبری کومه با توجیه تلاش در "کاهش" تشنج در اردوگاه خواهان ترك اردوگاه از جانب این جمع است و مسئولیت عدم اجرای این "درخواست" و "اتفاقات" پس از آن را به عهده این جمع گذاشته است.

خواندن این نامه برای هر عنصر سیاسی و بی‌طرفی کمترین شبهه‌ای در مورد اینکه نامه دبیرخانه رسماً نه تنها وجود این فضای متشنج را به عنوان اهرم فشاری برای اخراج مخالفین سیاسی خود از اردوگاه بکار می‌برد، بلکه تویحا بر آن سرمایه‌گذاری می‌کند، برجای نمی‌گذارد و این مایه تاسف عمیق هر نیروی سیاسی جدی و مسئولی است!

ما قویا از شما می‌خواهیم که در مورد حفظ سلامت مناسبات سیاسی در اردوگاه کومه و جلوگیری از کمترین امکان مخاطره آمیز شدن فضای سیاسی در اردوگاه خود، مسئولیت بپذیرید و مانع تعمیق فضای متشنج و خارج شدن آن از کنترل و ایجاد هر نوع مخاطره جانی برای نیروی مستقر در اردوگاه شوید. طبیعتاً شما بعنوان رهبری کومه در حفظ جان تک تک نیروی مستقر در اردوگاه، و بویژه مخالفین سیاسی خود، مسئولیت مستقیم دارید.

بی‌تردید هرگونه کمکاری در این زمینه و بی‌تفاوتی نسبت به آن و جلوگیری از فضای متشنج و مخاطره آمیز، نه تنها به سازمان شما که به فضای سیاسی کل اپوزیسیون صدمات جبران ناپذیری می‌تواند بزند. چنین فضایی مناسبترین شرایط را برای هر باند جنایی و مافیایی در عراق و از جمله از طرف جمهوری اسلامی برای وارد کردن ضربه به اپوزیسیون را فراهم می‌کند.

**کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)**

۱۰ ژانویه ۲۰۲۲ (۲۰ دی ماه ۱۴۰۰)

## باند تبهکار مهدی، باید طرد و منزوی شود

مردم شرافتمند و آزادیخواه!

سازمانها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون

یکی دو سال اخیر کم و بیش اخباری مبنی بر ترور و کشتن مخالفین سیاسی در سازمان زحمتکشان عبدالله مهدی از کانالهای مختلف و بعضا توسط فعالین خود این جریان به بیرون درز کرده است. در دو سال گذشته خبر مرگ ۱۶ نفر از پیشمرگان این جریان به نام خودکشی در بیرون پخش شده که اسامی ۸ نفر از آنان قبلا در رسانه ها اعلام شده بود اسامی ۳ نفر دیگر متعاقبا مشخص شد که تا این لحظه نامهای ( ۱. سید ابو حسینی ۲. نینا محمدی ۳. شورش عزتی "شاهو" ۴. بهار محمدی ۵. گلستان ارژنگی ۶. وحید احسانی ۷. جیهان بهزادپور ۸. شاهو حاتمی ۹. امید سنه ۱۰. احمد بانه ۱۱. شادی مریوان ) مشخص شده است. در مورد این به اصطلاح خودکشی ها همیشه کسانی از نزدیکان آنها یا از فعالین مهدی پیدا شده و اعلام کرده اند تعدادی از این افراد بدلائل سیاسی از جمله مخالفت با رهبری این جریان رسماً و نقشه مند به قتل رسیده اند.

مدتی پیش خانواده یکی از این قربانیان به نام "ابو حسینی" در مورد مرگ فرزندشان بعد از مراجعات مکرر به مسئولین این جریان، نهایتاً دست به کمپینی زده و اعلام کردند پسرشان را جریان مهدی ترور کرده است. این ماجرا و پیگیری های جدی خانواده مقتول و خصوصاً پدر ابو و پیدا کردن و بدست آوردن فیلم دوربینهای مدار بسته اردوگاه این جریان، معلوم کرد که ادعای جریان مهدی مبنی بر خودکشی "ابو حسینی" نه تنها جعلی که بعلاوه او را به قتل رسانده اند. فشار خانواده مقتول به مقامات و دادگاهها در کردستان عراق و اسنادی که در اختیار داشت، نهایتاً پای مقامات قضایی و پزشکی قانونی به این پرونده باز شد و قتل عمد او مورد تائید قرار گرفت. متعاقباً دو نفر از مسئولین نظامی و امنیتی این جریان به جرم قتل عمد به دادگاه احضار شده اند.

علاوه بر این تا کنون موارد زیادی ادعا شده است که پیشمرگ این جریان ناپدید شده است و جریان مهدی از جوابگویی در مقابل خانواده ها سر باز زده است. برای نمونه چند ماه قبل اعلام شد که یکی از پیشمرگان این جریان به اسم "سمکو بنفشه"، توسط جمهوری اسلامی ربوده شده بود. پدر سمکو ادعاهای جریان مهدی را نپذیرفت و با پیگیریهای مکرر و اعتراض علنی او، نهایتاً جریان نامبرده اعلام کردند وی توسط دستگاههای امنیتی اقلیم

کردستان دستگیر شده است. زمانیکه پدر سمکو از آنها خواسته بود تا او را برای ملاقات با مقامات امنیتی همراهی کنند، به او گفته بودند به خاطر پرونده خطرناک او، آنها نمیتوانند به مقامات امنیتی مراجعه کنند!

این اولین بار نیست باند مهدی ترور مخالفین سیاسی خود را سازمان میدهد و برای کشتن شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی نقشه می ریزد. طرح قتل رهبران کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، که توسط عمر ایلخانیزاده، به دنبال جدایی از این جریان افشا شد، طرح ترور رهبران و کادرهای وقت حزب حکمتیست، مستقر در کردستان عراق که توسط فرمانده تیم به نام شورش خراسانه ناکام ماند و بعداً افشا شد، سنگربندی های خونین علیه جمع رفقای خود، که با او توافق سیاسی نداشتند و به رهبری عمر ایلخانی زاده جدا شدند، جزو نقشه های علنی و یا بعداً علنی شده ای هستند، که مهدی در پرونده دارد.

ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن محکوم کردن اقدامات تروریستی این جریان، رهبری آن و شخص عبدالله مهدی را مسئول اول این اقدامات کثیف و جنایتکارانه میدانیم.

ما اعلام میداریم که سازمان زحمتکشان عبدالله مهدی، نه بگ سازمان سیاسی، که بگ باند تبهکار فالانتریزست و شبهه فاشیست قومی است و باید به همین عنوان معرفی شود. ما هر نوع مراد و همکاری با این جریان در میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نامشروع و علیه هر نوع پرنسیب مبارزه سیاسی سالم میدانیم.

ما همه کسانی که با توهم به مبارزه علیه جمهوری اسلامی به دام این جریان افتاده اند را فراخوان میدهیم که صفوف سازمان زحمتکشان مهدی را ترک کنند. کمک به افرادی که نمیخواهند در صفوف این جریان بمانند و تامین امنیت جانی آنها را وظیفه هر نیروی سیاسی در منطقه میدانیم. بی تردید مردم آزادیخواه و نیروهای متمدن، چپ و کمونیست در کردستان عراق از این افراد حمایت خواهند کرد.

**سازمان زحمتکشان مهدی را باید طرد و منزوی کرد!**

دوستان و علاقمندان میتوانند برای امضای پتیشن از لینک زیر

<https://www.change.org/tomarcampaign>

اقدام کنند.

کمپین " علیه باند تبهکار مهدی"

## در مورد یک اتفاق نگران کننده در مریوان

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

در روزهای گذشته، کلیپ به آتش کشیدن یک ماشین از طرف ریبوار کریمیانی(ریبوار مریوان) یکی از افراد مسلح باند مهدی، در فضای مجازی انتشار یافته است که در پیام همراه کلیپ، ادعا شده است که این اقدام در جواب کسی است که در یک برنامه لایو اینستاگرامی، به "کومه له" فحاشی کرده است.

از آنجا که هویت واقعی هیچکس معلوم نیست، مسئله ناروشن و چندچون ماجرا هم ناروشن است. این اقدام اما به نیروهای منتسب به "کومه له" نسبت داده شده است.

از آنجا که تعرض به مال و امنیت و زندگی مردم تحت هر نامی غیرقابل تحمل و ناپذیرفتنی است و از آنجا که رسم شدن چنین اقدامی خطر رشد ترور و ارباب جامعه توسط جمهوری اسلامی یا هر نیروی باند سیاهی را به دنبال دارد، این مسئله نمی تواند با سکوت نیروهای سیاسی مسئول روبرو شود. بطور طبیعی، هر جریانی که به چنین اقدامی متهم شود، بطور رسمی و اصولاً باید در مقابل چنین ادعایی موضع گرفته و برای پاک کردن حساب خویش از چنین اقدامی، رسماً و علناً در این مورد ابراز نظر نماید. چنین کاری نه فقط خاطر همگان را آسوده می کند بلکه مخاطرات موش دوانی نیروهای ارتجاعی و بویژه جمهوری اسلامی در ترور مخالفین سیاسی رژیم و منتسب کردن آن به نیروهای سیاسی را به صفر میرساند.

در عالم سیاست امروز، سازمان های متعددی مشغول فعالیت اند که همین عنوان "کومه له" را بر خود دارند، لذا انتظار میرود این جریانات برای کمک به شفافیت قضیه و ممانعت از سوء استفاده اختلافات در این سازمانها و ...، در این باره سکوت نکرده و در مقابل جامعه رسماً پاسخگو باشند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۶ دی ماه ۱۴۰۰ (۱۵ ژانویه ۲۰۲۲)

**نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی**

این باند، حقایق و مخاطراتی که ما طی این سالها گفته بودیم، شاهدان متعددی پیدا کرده که بخش اعظم آنها نه جریانات سیاسی و شخصیت های اپوزیسیون و مخالفین سیاسی این باند، که اعضا و کادرها و مسئولین و پیشمرگان سابق این جریان اند! افشا طرح حمله نظامی به اردوگاه کومله توسط عمر ایلخانیزاده یا افشا طرح ترور اعضا رهبری حزب حکمتیست توسط یکی از فرماندهان این باند، فقط گوشه کوچکی از ظرفیت این باند را به نمایش میگذارد.

امروز در کنار حزب حکمتیست (خطر رسمی) و تلاش ما برای افشا و طرد این باند چاقو کش، صدها نفر از کسانیکه در صفوف این جریان به ماهیت ارتجاعی آن پی برده و از ترور و قتل درون سازمانی جان سالم به در برده اند، دهها خانواده قربانیان ترورهای درون سازمانی این باند شاکیان خصوصی اند که ادعای خود علیه این باند را علنی اعلام کرده اند!

درد این باند و دوستانشان، آزادیخواهی و کمونیسم ریشه دار در کردستان است که مانع قدرتگیری شان شده و طبیعی است که حزب حکمتیست (خطر رسمی) بعنوان پرچمدار این آزادیخواهی و کمونیسم در کردستان، نمی تواند مورد نوک حمله این باند تبهکار نباشد. به این دلیل ساده که حمله به کارگر و زحمتکش در کردستان، حمله به برابری طلبی کمونیستی در این جامعه، امروز از مسیر دشمنی با این حزب می گذرد.

این باند و سران آن بدانند که افشاگری از ماهیت فالانژیستی و فاشیستی و تبهکارانه این جریان و هر جریان ارتجاعی دیگری، بخشی از تقابل ما با ارتجاع در هر شکل و لباس، بخشی از دفاع ما از طبقه کارگر و مردم محروم برای رسیدن به آزادی و برابری، بخشی از دفاع ما از تاریخ کمونیسم در کردستان، از تاریخ زندگی و مبارزه کمونیستهایی که که متأسفانه امروز خود در قید حیات نیستند تا در مقابل شهید خوری و آویزان شدن یک گروه تبهکار ضد کمونیستی به اعتبار و تاریخ آنها از خود دفاع کنند، بخشی از مبارزه ما برای برپایی یک دنیای آزاد، برابر، مرفه و سعادتمند است. تقابل با این نیروها، تقابل با نا امن کردن جامعه، با قومی و مذهبی کردن مبارزه و محیط زندگی مردم و خون پاشاندن بر زندگی و مبارزه میلیونها انسان در ایران است.

ما برای بار چندم اعلام می کنیم که اینها نه یک جریان سیاسی متعارف ناسیونالیست کرد، که یک باند تبهکار، فالانژیست و فاشیست اند و به همین عنوان باید به همه معرفی شده و طرد و رسوا شوند. یک جامعه سیاسی پویا، نمی تواند فاشیسم و فالانژیسم را در درون خود هضم کند، در کردستان هضم نشده و به همین دلیل امروز نه فقط رسوا و منفورترین موجود در جامعه بعد از جمهوری اسلامی است. اینها جریانی از همه جا رانده که هزاران بار دست مأموران مرزی ایران برای توافق، پاسبانبان کنسولگری های آمریکا و عربستان و... را برای تحویل گرفتن بوسیده اند اما به جایی نرسیده و به آخر خط رسیده اند. تضمین طرد و منزوی شدن بیشتر اینها، وظیفه ماست و ما دست همه کسانی که در این مسیر همراه ما هستند را به گرمی می فشاریم.

**دفتر کردستان حزب حکمتیست (خطر رسمی)**  
۵ ژانویه ۲۰۲۲

# آخر خط باند مهدی

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خطر رسمی)

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خطر رسمی)

Worker communist Party - Hekmatist  
(Official Line)

hekmatisx hekmatistx hekmatistx hekmatist.com

هیچگاه حاضر نشد آنرا بعنوان یکی از شاخه های کومله و یک سازمان سیاسی به رسمیت بشناسد. ما تنها جریانی بودیم که ظرفیت فاشیستی، ترور و چاقو کشی آنرا هشدار داده و همه نیروهای سیاسی را به طرد این باند دعوت کردیم. ما اولین و تنها جریانی بودیم که پلاتفرم سیاسی این باند را فاشیستی دانسته، نحوه "مبارزه سیاسی درون حزبی" این باند، گرو گرفتن کنگره قانونی کومه له با اتکا به پلیس سلیمانی، محاصره اردوگاه کومله- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و تهدید به جنگ برای باجگیری و طرح ترور رهبران آنرا را افشا و محکوم کردیم. ما تنها جریانی بودیم که پلاتفرم سیاسی این باند را فاشیستی و شانس آن را برای تبدیل شدن به یک سازمان سیاسی و همزمان ظرفیت رهبری آن برای شکل دادن به یک باند فاشیست، ضد کمونیست و چاقو کش را به همگان هشدار دادیم. ما گفته بودیم که تنها شانس این باند در قومی کردن و به خون کشیدن مبارزه مردم در ایران و بویژه در کردستان است. ما تنها نیرویی بودیم که "الترناتیوهای" این باند از "فدرالیسم قومی" تا حمله نظامی امریکا به ایران و کشیدن جنگ نیابتی عربستان به کردستان را افشا و در مقابل آن ایستادیم.

ما "اتهام" مقابله با فاشیسم و ترور و باندهای چاقو کش، "اتهام" دفاع از آزادی، برابری و کمونیسم را قبول میکنیم. ما همزمان از اینکه بخشی از جوانان با توهم به این سازمان به آن پیوستند و قربانی سیاستهای فاشیستی و ترورهای درون سازمانی این باند شدند متأسفیم. از سازمانهای سیاسی چه در کردستان و چه در خارج کردستان در امتیاز دادن به این باند خطرناک و مناسب کردن زمینه برای ایفای نقش این باند و جا زدن خود بعنوان یک نیروی سیاسی، بطور جدی نقد داریم و آنها را در دامن زدن به توهم جوانان به این باند مسئول میدانیم!

امروز پس از بیست و چند سال از شکل گیری

بدنبال افشا شدن ترور و قتلهای پی در پی در اردوگاههای باند زحمتکشان، افشا فیلم دوربینهای مدار بسته داخل اردوگاه و دخالت دادگاه عربت دولت اقلیم در پیگیری قتل آپو حسینی، بعد از افشاگری ها از درون و بازتاب تعفن اعمال کثیف جریان آقای مهدی و راه افتادن موج نفرت از آنها حتی در میان خانواده پیشمرگان و کسانی که در جریان مهدی جان خود را از دست داده اند، و سرانجام و بویژه بدنبال کمپین طیفی از فعالین و شخصیتهای سیاسی در کردستان در محکوم کردن این قتلها و ترورها، باند مهدی در "ضدحمله" ای ناشیانه و سبک، تبلیغات کثیف و سوخته سی سال پیش خود را علیه کمونیستها و بطور ویژه علیه حزب حکمتیست (خطر رسمی) تکرار کرده است.

هدف از در بوق و کرنا کردن اتحاد مجدد دو جریان زحمتکشان، دو غده عفونی، زحمتکشان مهدی و ایلخانیزاده، و تکرار شانتاژهای سوخته دیروز، بازگرداندن اعتماد به نفس به صفوف متردد خود و ممانعت از ریزش درونی بیش از این دو جریان ضد اجتماعی و حاشیه ای است.

مردم آزادیخواه در کردستان که از بدو تولد این باند فاشیست دست رد به سینه آن زدند، امروز این تبلیغات را نشانه دیگری از ضدیت آشکار این باند و رهبران آن با آزادیخواهی خود، با زندگی و مبارزات فی الحال در جریان خود برای رفاه، آزادی و سعادت همگانی میدانند.

اطلاعیه رسمی جناح عبدالله مهدی این باند و برنامه تلویزیون جناح ایلخانیزاده آن، می فرمایند که "تقابل حزب حکمتیست (خطر رسمی)، از روز اول جدایی اینها از کومه له شروع شده است!" ما این "اتهام" را قبول میکنیم. ما قبول میکنیم که جریان ما اولین و تنها جریانی بود که ظرفیت فاشیستی این باند را تشخیص داد، تنها نیرویی بود که ترغیب استفاده از نام کومله و آویزان شدن به تاریخ و جانباختگانش را تشخیص داد و افشا کرد و

# نیانا

نشریه دفتر کردستان حزب  
حکمتیست (خط رسمی)

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سر دبیر: وریا نقشبندی

[verya.naksh@gmail.com](mailto:verya.naksh@gmail.com)

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب

[Facebook.com/HekmatistX](https://www.facebook.com/HekmatistX)

رادیو نیانا

[Radioneena.com](http://Radioneena.com)

اینستاگرام رادیو نیانا

[Instagram.com/radioneena/](https://www.instagram.com/radioneena/)

تماس با خرب

دبیر خانه: هساره ابراهیمی

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج کشور: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

دبیر دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

[Sahand.sabet@gmail.com](mailto:Sahand.sabet@gmail.com)

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

[Hekma.public-archive.net](http://Hekma.public-archive.net)

نیانا ، صدای آزادی خواهی و برابری طلبی  
برنامه های نیانا علاوه بر شبکه های اجتماعی از شبکه تلویزیونی کانال یک هم پخش  
می شوند. همچنین برنامه های نیانا را می توانید از طریق رادیو روی طول موج کوتاه نیز  
بشنوید. نیانا را ببینید و بشنوید.  
نیانا را ببینید و بشنوید و به دوستان و آشنایان معرفی کنید.

کانال رسمی رادیو نیانا

وب سایت رادیو نیانا:

[www.radioneena.com](http://www.radioneena.com)

فیسبوک رادیو نیانا:

<https://www.facebook.com/radioneena/>

ساوند کلود رادیو نیانا:

[soundcloud.com/radio-neena](https://soundcloud.com/radio-neena)

اینستاگرام رادیو نیانا:

[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

تلگرام رادیو نیانا:

<https://t.me/RadioNeenna>

یوتیوب رادیو نیانا:

[https://www.youtube.com/.../UC\\_dXCkmL24ccUstb6P2wXJw/videos](https://www.youtube.com/.../UC_dXCkmL24ccUstb6P2wXJw/videos)

وب سایت حزب حکمتیست (خط رسمی)

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

## پخش برنامه های نیانا از کانال یک

برنامه های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از  
ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک  
پخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat 1A  
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A  
10721 افقی 22000

## پخش برنامه های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت  
تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

[radioneena.com](http://radioneena.com)

# نیانا

برنامه ای از حزب حکمتیست (خط رسمی)

[hekmatist.com](http://hekmatist.com)

برنامه های نیانا را از

شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

ساوند کلود

[soundcloud.com/radio-neena](https://soundcloud.com/radio-neena)

اینستاگرام

[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)

تلگرام

<https://t.me/RadioNeenna>

فیسبوک

[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)